ارسلان فصیحی در گفت‌وگو با «ملت ما»:

مترجم باید به متن اصلی وفادار باشد

|مریم آموسا|

ارسلان فصیحی مترجم و ویراستار در سال ۱۳۴۰ در تهران به دنیا آمده است، اواصالتی آذربایجانی دارد. او در ۱۷ سالگی الفبای سیریلیک و الفبای لاتینی را یاد گرفت و مطالعه کتاب‌های ترکی را آغاز کرد و نخستین کتابش با عنوان «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران- اواخر سده نوزدهم، اوایل سده بیستم» را در ۲۰ سالگی ترجمه کرد پس از آن سفرنامه‌ای ترجمه کرد با عنوان «یادداشت‌های وطن آفتابی» اما هرگز این دو کتاب را به چاپ نرساند. او در سال ۱۳۶۴ به ترکیه رفت و در شهر ازمیر زبان و ادبیات ترکی خواند. او پس از بازگشت به ایران از سال ۱۳۶۸ در هفته‌نامه‌ای که به زبان ترکی منتشر می‌شد شروع به کار کرد و در کنار آن کار ترجمه از فارسی به ترکی را از سر گرفت و حدودا ۱۰ عنوان کتاب به ترکی ترجمه کرد. او از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۴ در روزنامه ایران کار تصحیح و ویراستاری انجام داد و از پاییز سال ۱۳۷۴ همکاریش را با انتشارات ققنوس ادامه داد همکاری که تا به امروز ادامه پیدا کرده است، از آثار او می‌توان به کتاب تالیفی «خودآموز ترکی استانبولی» و ترجمه رمان‌های «سلول ۷۲» نوشته اورهان کمال، «قلعه سفید» و «زندگی نو» نوشته اورهان پاموک، «قصه‌های حسن کچل» و «آدم‌های بیرون از صحنه» اشاره کرد.

چرا انتشار رمان «ملت عشق» این‌قدر به درازا کشیده شده است؟

رمان «ملت عشق» از آبان ماه سال گذشته برای دریافت مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد ارسال شد و اواخر اردیبهشت اعلام شد که این رمان غیرقابل چاپ است. پس از اعلام غیر قابل چاپ بودن این رمان و رمان «قلعه سفید» که پس از چند بار تجدید چاپ غیر قابل چاپ اعلام شده بود یکی از همکارانم به من خبر داد که مولفان یا مترجمان خودشان می‌توانند پیگیر پرونده کتاب‌هایشان در وزارت فرهنگ و ارشاد باشند. از این رو من هم شهریورماه نسبت به غیرقابل چاپ بودن این دو کتاب به وزارت ارشاد نامه دادم و ماه پیش ازدفتر آقای الهیاری با من تماس گرفتند و قرار یک جلسه گفت‌وگو برای رفع مشکل این کتاب گذاشتند که به نظر من جلسه خوبی بود و امیدوارم به‌زودی مشکل این دو کتاب برطرف شود و تا نمایشگاه کتاب شاهد انتشار این دو رمان از سوی انتشارات ققنوس باشیم. پیش از غیرقابل چاپ اعلام شدن رمان «ملت عشق» با موسسه فرهنگی که مسئولیت کارهای «الف شفق» را بر عهده دارد برای کپی رایت رمان ملت عشق نامه‌نگاری کرده بودیم که پس از غیر قابل چاپ اعلام شدن این کتاب این کار نیمه ماند. اگر این کتاب مشکلش برطرف شود دوباره رایزنی هایمان را برای این کار پی خواهیم گرفت.

«ملت عشق» چگونه کتابی است؟

رمان «ملت عشق» نوشته «الف شفق» نویسنده ترکیه‌ای روایت جذابی از رابطه شمس و مولانا است. این رمان در ترکیه با عنوان «عشق» بیش از ۳۰۰ بار منتشر شده است. براساس آماراین رمان هرروز یک بار تجدید چاپ می‌شود و با فروش میلیونی خود توانسته رکورد پرفروش‌ترین کتاب تاریخ ترکیه را که کتاب «زندگی نو» نوشته اورهان پاموک است را هم بشکند. این کتاب تاکنون در امریکا، اسکاندیناوی وانگلستان نیز منتشر شده است. رمان «ملت عشق» هشتمین رمان «الف شفق» نویسنده جوان واتفاقا پرکار ترکیه‌ای است که در سال ۲۰۰۹ از سوی انتشارات «دوغان» منتشر و تاکنون بیش از ۳۰۰ بار با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه تجدید چاپ شده است و به‌عنوان پر فروش‌ترین کتاب تاریخ ترکیه نام خود را به ثبت رسانده است. من نیز از روی چاپ ۲۵۶ این رمان را به فارسی برگردانده‌ام. الف شفق نویسنده جوان و پرکاری است او متولد ۱۹۷۱ استراسبورگ و دانش‌آموخته رشته‌های ارتباطات، مطالعات زنان و علوم سیاسی است و تاکنون مقالات متعددی درباره زنان نیز در رسانه‌ها منتشر کرده است. او نخستین رمانش را با عنوان «پنهان» در سال ۱۹۹۴ منتشر کرد و در این رمان نیز به زندگی مولانا پرداخته بود که این رمان نیز در سال ۱۹۹۸ جایزه بزرگ مولانا را دریافت کرد. از دیگر رمان‌های او می‌توان به «آینه‌های شهر»، «محرم» و «پدروحرامزاده» اشاره کرد. الف شفق دو رمانش را هم به زبان انگلیسی نوشته است. من خیلی علاقه‌مند هستم که سایر آثار این نویسنده را ترجمه کنم و تاکنون رمان «محرم» که یکی دیگر از آثار جذاب این نویسنده است را برای ترجمه انتخاب کرده‌ام.

با توجه به اقبالی که از رمان «ملت عشق» الف شفق در ترکیه شده است، دلیل جذابیت این رمان برای مخاطبان به واسطه چیست؟

ملت عشق یک رمان تاریخی عرفانی است که در آن به‌طورهمزمان دو داستان تو در تو روایت می‌شود. یکی از روایت‌های این رمان داستان زنی ۴۰ ساله و یهودی امریکایی به‌نام «الا» است که درسنین میانسالی تصمیم می‌گیرد که در یک موسسه انتشاراتی به عنوان ویراستار مشغول به کارشود. بخشی ازکاراو دراین موسسه انتشاراتی مطالعه کتاب‌ها پیش ازانتشاراست و به گونه‌ای او نقش یک بررس را برای انتشار یک کتاب ایفا می‌کند. یکی از نخستین کتاب‌هایی که به «الا» برای بررسی و ویراستاری سپرده می‌شود، رمان «ملت عشق» است، این رمان درباره رابطه شمس و مولانا و مباحث عرفانی است و نویسنده آن یک نویسنده اسکاندیناوی است. روایت اول رمان «ملت عشق» که درباره رابطه مولانا و شمس است درقرن ۱۳ میلادی می‌گذرد و روایت دوم که داستان الا است از سال ۲۰۰۸ آغاز می‌شود و درسال ۲۰۰۹ به پایان می‌رسد. شمس تبریزی دراین رمان محوراصلی کتاب است و تصویری که ازشمس و مولانا دراین کتاب ارایه می‌شود، مطابق همان تصویری است که درادبیات فارسی و فرهنگ ما متداول است و به احتمال زیاد همین موضوع موجب شده که این رمان درترکیه و کشورهای دیگر با استقبال روبه‌رو شود.

شیوه روایت این رمان به چه شکل است؟

رمان ملت عشق توسط ۳۰ راوی روایت می‌شود و همین موضوع و تو درتو بودن شیوه روایت موجب شده تا خوانش و ترجمه این رمان دشوارشود. داستان این رمان همزمان توسط الا، شمس، مولانا و سایر شخصیت‌های این رمان روایت می‌شود و دردل روایت شمس و مولانا با الا نیزآشنا می‌شویم و درنهایت شاهد دگرگونی فکری و زندگی الا می‌شویم. نویسنده اصلی رمان کتاب «ملت عشق» فرد اسرارانگیزی به نام «عزیز زکریا زاهارا» است و اثر ۳۰۰صفحه‌ای خود را از آمستردام هلند برای ناشر امریکایی پست کرده است تا در صورت صلاح دید منتشرش کنند. کتاب به تدریج نظر الا را به خود جلب می‌کند و او افزون بر ویراستاری شروع به زندگی با آن می‌کند. هر طورشده نشانی نویسنده متن را می‌یابد و با او به مکاتبه می‌کند و بخشی از رمان را نیز همین مکاتبات که به‌صورت ایمیلی است تشکیل می‌دهند، مکاتباتی که در دل آن «عزیز» از زندگی خود برای الا پرده بر می‌دارد و درباره تاثیری که صوفیه در زندگی او می‌گذارد، می‌گوید. شیوه روایت این رمان رئالیستی است و در دل این رمان با وقایع تاریخی و عرفانی روبه‌رو می‌شویم.

آیا به‌زودی کتابی از ترجمه‌های شما منتشر خواهد شد؟

بله به‌تازگی کتاب «گرد ستاره» نوشته «مصطفی کوتلو» مجوز نشر گرفته است و از سوی انتشارات آفرینندگان منتشر خواهد شد. این نویسنده یکی از نویسندگان مطرح ترکیه است که بیش‌تر به نوشتن داستان کوتاه گرایش دارد. او داستان نویسی را از دهه ۷۰ شروع کرده است و کتاب «گرد ستاره» را با این‌که برای گروه سنی بزرگسال نوشته است اما ناشرش این کتاب را برای گروه سنی نوجوان منتشر کرده است. داستان‌های او رئالیستی و بسیار لطیف و زیبا هستند.

این روزها مشغول ترجمه آثار چه کسی هستید؟

این روزها مشغول ترجمه سه مجموعه داستان از «عزیزنسین» هستم که این سه مجموعه داستان در قالب یک پکیج ازسوی انتشارات ققنوس منتشر خواهند شد. اگر طبق برنامه دقیق پیش بروم تا آخر فرودین ماه ترجمه این مجموعه داستان‌ها به پایان خواهد رسید. یکی از این کتاب‌ها را براساس یکی از داستان‌های موجود در کتاب «مگه تو کشورشما خر وجود ندارد» نام‌گذاری کرده‌ام و مجموعه دوم هم «محمود و نگار» نام دارد اما هنوز برای مجموعه داستان سوم نامی انتخاب نکرده‌ام.

با توجه به این‌که عزیز نسین یکی از نویسندگان کلاسیک ترکیه محسوب می‌شود و بیش‌تر ترجمه‌هایی که از آثار او انجام شده توسط رضا همراه در ۴۰ سال پیش منتشر شده چه شد که تصمیم گرفتید دوباره آثار او را ترجمه کنید؟

به نظر من ترجمه دوباره آثارعزیز نسین در ایران احساس می‌شد. عزیزنسین با این‌که جوایز ادبی متعددی را ازآن خود کرده است؛ اما تاکنون آثار او به خوبی به زبان فارسی منتقل نشده است. رضا همراه هم در یکی از مصاحبه‌های خود عنوان کرده است که او آثارش را به نام عزیز نسین منتشر کرده است. حتی اگر بپذیریم که رضا همراه برخی از آثارعزیز نسین را ترجمه کرده است با گذشت ۴۰ سال ضرورت ترجمه مجدد آثار عزیز نسین احساس می‌شود. به نظر من با توجه به تغییراتی که زبان در گذر زمان می‌کند، ضرورت ترجمه آثار با گذشت ۲۵ سال همواره وجود دارد.

با توجه به این‌که شما اورهان پاموک را برای نخستین‌بار به فارسی زبان‌ها معرفی کردید آیا قصد ندارید که کتاب دیگری از او به فارسی ترجمه کنید؟

من دربرنامه کاریم ترجمه کتاب تئوریک اورهان پاموک که کتابی تئوریک درباره نوشتن است را گذاشته‌ام و این کتاب چون درباره شیوه‌های نوشتن است به نظر نمی‌آید با مشکل ممیزی روبه‌رو شود.

شیوه ترجمه شما به چه شکل است؟

سخن گفتن درباره شیوه ترجمه مجال طولانی را می‌طلبد اما اگرقرار باشد در یک مجال کوتاه درباره شیوه‌ام بگویم؛ من معتقد به رعایت در امانت در ترجمه هستم. من وقتی ترجمه یک کتاب را دست می‌گیرم همواره به این فکر می‌کنم اگر نویسنده این کتاب را قرار بود به فارسی بنویسد چگونه می‌نوشت.

براساس چه مترومعیاری کتاب برای ترجمه انتخاب می‌کنید؟

من همواره در سال‌های اخیر کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنم که هنگام انتشار با ممیزی روبه‌رو نشود البته با تمام دقتی که می‌کنم باز هم این مشکلات پیش می‌آید. من اصلا اعتقادی به این ندارم که کتاب ترجمه کنم و سال‌ها گوشه کتابخانه شخصی‌ام بماند کتاب باید ترجمه شود و به دست مردم برسد.

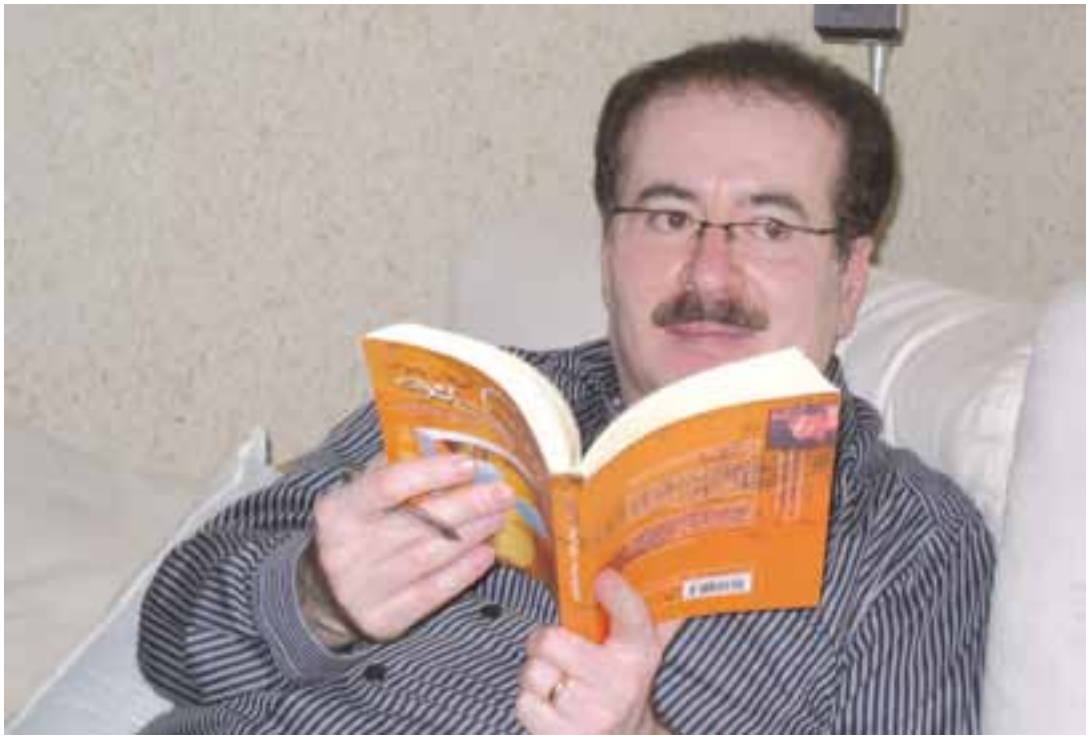

یک نگاه

من معتقد به رعایت در امانت در ترجمه هستم. وقتی ترجمه یک کتاب را دست می‌گیرم همواره به این فکر می‌کنم اگر نویسنده این کتاب را قرار بود به فارسی بنویسد چگونه می‌نوشت.